

یفتل و یفتلی

وجه تسمیه یکی از اعلام تاریخی افغانستان

احمد علی کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

در تاریخ و جغرافیا و اعلام تاریخی و جغرافیائی افغانستان چه از لحاظ ادب و چه از لحاظ تاریخ علی العموم به نام «یفتل» و به صفت «یفتلی» برمیخوریم. این اسم و صفت در تاریخ خصوصی افغانستان و در تاریخ همسایگان جایگاه و ارزش خاصی دارد. علاوه بر موارد خاص که این اسم و صفت در تاریخ افغانستان و در تاریخ همسایگان آن دارد چون مرادف آن صفت «هن سفید» یا «هن های سفید» هم در تاریخ عمومی استعمال شده و «هن ها» بطور عام بدون داشتن صفت «سفید» بحیث قوم مهاجم و بربر موجب انهدام مدنیت لاتینی اروپا شده است، روشن ساختن وجه تسمیه «یفتل» و «یفتلی» در تاریخ افغانستان و انفکاک آنها بصفت «هن سفید» از «هن» هائی که در شمال اروپا بر خاک های لاتینی نژاد تاخته اند، امریست ضروری.

شاگردان مدارس، پژوهشگران و کسانیکه با سویه بالاتر به مسایل تاریخی نگاه میکنند در تفکیک هن های سفید از سائر هن ها و در مسئله چگونگی عرق و نژاد آنها علی العموم دچار تردد و احياناً اشتباه شده و قضیه چنانچه باید و شاید برایشان واضح نیست.

شبهه ئی نیست که هن ها علی العموم بدون صفت سفید و زرد مردمان مهاجم و در اصل مبدأ بربر و خشن و عاری از پیرایه های مدنی بودند، کسانیکه بیشتر به تاریخ اروپا منعمک اند و از منابع اروپائی کسب فیض کرده اند از عینک مدققان اروپائی همه «هن ها» را در یک چوب خط گرفته و بر حساب آنها یکسان رسیدگی کرده اند.

ولی ملتفت باید بود که ما شرقی ها و علی الخصوص ما افغان ها در تاریخ مشرق زمین و در تاریخ کشور خود با هن هائی سر و کار داریم که اصلاً باید ایشان را «هن» نخوانیم بلکه «یفتل» و «یفتلی» را باید در مورد آنها استعمال نمائیم.

یفتل ها یا یفتلی ها عبارت اند از دسته قبایلی که اصلاً مانند اقوام تخاری و کوشانی، آریائی نژاد بوده و بین سال های ۳۸۵ و ۴۲۰ مسیحی از ماورای آمو در تخارستان یعنی بدخشان و علاقه بلخ امروزه سرکشیده و متعاقباً اول در شمال و بعد در جنوب هندوکش منبسط شده و به تشکیل سلطنت مقتدری توفیق یافتند.

یفتل‌ها یا یفتلی‌ها را اکثر ملل شرقی و آسیائی می‌شناختند. چینی‌ها، هندی‌ها، اهل بیزانس یا روم شرقی، ایرانی‌ها و عرب‌ها همه از آنها یاد کرده‌اند و در لهجه‌های ایشان این قوم و قبایل مربوطه آن با جزئی تفاوت‌های لهجه اسم برده شده است.

منابع چینی در روزگاران نسبتاً قدیم یعنی در قرن پنجم مسیحی ایشان را به اسم «هوا Hoa» یا «هواتون Hoa-Tun» یاد کرده‌اند. این تذکار بیشتر مربوط به دوره‌های حیات بدوی ایشان است. سپس چون موفق به تشکیل سلطنت میشوند بنام «یپتا Yeta» یا «اپتا Epta» معروف می‌گردند. ناگفته نماند که در موازات منابع چینی، در کوریا بنام «یوپ تل Yop-Tal» هم شهرت بهم رسانیده بودند.

ریشه اصلی کلمه که در وجه تسمیه آنها سراغ داریم «اپتل Aptal» یا «هپتل Haptal» است که از آن منابع ایرانی، بیزانسی و عربی با مختصر تصرفاتی اشکال شبیه بهم درست کرده‌اند. اشکال این نام در منابع بیزانسی عبارت از: «افته‌الی‌توی»، «اوته‌الی‌توی»، «نفته‌الی‌توی» است. «هیطل» منابع ایرانی و متون فارسی با اینکه از منابع بیزانسی متأثر شده است به اصل ریشه‌های «هپتل» و «اپتل» نزدیک است. عرب‌ها از «هیطل» منابع ایرانی به صیغه جمع «هیاطله» یا «هباطله» ساخته‌اند که شکل اولی با (ی) درست‌تر بنظر میرسد. «یفتل» که در کشور خود ما بیشتر در بدخشان مورد استعمال دارد با اصل ریشه تفاوتی ندارد. (الف) به (ی) و (پ) به (ف) تبدیل شده و از نظر فقه اللغه از چوکات اصول بیرون نیست.

هندی‌ها که بیشتر اقوام نو وارد را بحیث اقوام مهاجم و خارجی شناخته‌اند، یفتل‌ها را به صفت «سیتا هونا» یا خارجی‌های سفید یاد کرده‌اند. «سیتا» بصورت «شیتا» هم آمده که هر دو به معنی «سفید» است و با کلمه‌های «سپیته»، «سپین»، «سپید» و «سفید» در اصل ریشه و ترکیب فرق ندارد. یفتل‌ها برای هندی‌ها خارجی‌های سفید پوست مهاجم محسوب میشدند و طوریکه تاریخ شاهد است یفتل‌ها از آریانای جنوبی از حوالی غزنه بر هند هجوم برده و بر مردمان «گوپتا» فایق آمدند که شرح آن تفصیل جداگانه می‌خواهد.

نمیدانم مدققان اروپا اقوام مهاجم بربر شمال اروپا را که بر خاک‌های لاتینی ریختند به چه استناد «هن» خوانده‌اند؟ اگر از کلمه «هونا» سانسکریت هندی ملهم شده باشند، مبدأ اقتباس و الهام آنها روشن میشود و اقتباسی که در مورد یفتل‌ها و هن‌های غربی واقع شده غالباً از همین جا ریشه گرفته است. یفتل‌ها که به عنوان «هونای سفید» در منابع سانسکریت یاد شده‌اند، مردمان آریائی نژادی بودند که از توران به آریانا آمدند و در بدخشان رحل اقامت افگندند و هنوز هم در حدود ۲۰ هزار خانواده یفتلی در شمال فیض آباد در کوه‌های بدخشان سکنی دارند و از هن‌های زرد پوست غربی بکلی متفاوت‌اند. ۱۸/ قوس ۱۳۳۷/